



د افغانستان اسلامي جمهوریت
د حقوقی زدکړو خپلواک ملی مرکز



قانون طرز تحصیل حقوق

نویسنده: محمد حکیم حکیمی

کابل جولا ۱۳۹۰هـ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

هدف	۱
پلان درسی	۲
مقدمه :	۵
تاریخچه ایجاد اداره حقوق در افغانستان :	۶
بخش اول - احکام عمومی (اصطلاحات و مفاهیم)	۷
۱- اصطلاح حقوق:	۷
تعریف حقوق از نگاه اجتماعی:	۷
۲- اصطلاح حقوق مدنی:	۷
حقوق و جایب:	۸
حقوق فامیل:	۸
حقوق عینی:	۸
حقوق میراث:	۹
۳- اصطلاح حقوق تجارت:	۹
۴- اشخاص حقیقی:	۹
۵- اشخاص حکمی:	۹
۶- مکلفیت های ادارات دولتی در همکاری با ادارات حقوق:	۹
قضیه فرضی:	۱۲
۷: وظایف و صلاحیت ها:	۱۲

- ۱۳.....قضیه فرضی:.....
- ۱۴.....قضیه فرضی:.....
- ۱۵.....۸: مکلفیت مدیون و ضامن در برابر دائن:.....
- ۱۵.....قضیه فرضی :
- ۱۷.....قضیه فرضی :
- ۱۷.....قضیه فرضی :
- ۱۸.....۹:- تخلیه و تسلیمی:.....
- ۱۸.....قضیه فرضی :
- ۲۰.....قضیه فرضی :
- ۲۰.....۱۰:- نیابت در تحصیل حقوق :.....
- ۲۲.....۱۱:- احکام نهایی:.....
- ۲۲.....قضیه فرضی :
- ۲۳.....۱۲:- مواد تعدیل شده قانون طرز تحصیل حقوق:.....

هدف

دراخیر برنامه آموزشی تمام اشتراک کننده گان قادر به اجرای اعمال ذیل میباشند:

- ۱:- درک اهداف و فلسفه وضع قانون طرز تحصیل حقوق.
- ۲:- تشخیص ویژگی های خاص قانون طرز تحصیل حقوق.
- ۳:- تشخیص تفکیک نمودن میان اجراءات که در مورد تحصیل حقوق راه اندازی میشود از قضایای دیگر.
- ۴:- آگاهی از نقش اورگانهای ذیدخل در تطبیق قانون طرز تحصیل حقوق.

پلان درسی

مضمون طرز تحصیل حقوق به مدت (۱۸) هفته تدریس میگردد که هر ساعت درسی این مضمون (یک ونیم) ساعت نجومی را در بر میگیرد.

روز اول:-

- مقدمه
- اهداف کلی برنامه
- اهداف قانون طرز تحصیل حقوق

روز دوم:-

- معلومات درمورد تاریخچه اداره حقوق
- معرفی ریاست عمومی حقوق

روز سوم:-

- تدریس بخش اول احکام عمومی
- اصطلاح حقوق
- حقوق مدنی
- حقوق وجایب
- حقوق فامیل

روز چهارم:-

- بقیه درس احکام عمومی
- حقوق عینی
- حقوق میراث
- حقوق تجارت
- اشخاص حقیقی
- اشخاص حکمی

روز پنجم :-

- مکلفیت های ادارات دولتی
- کارگروپی قضیه فرضی

روز ششم :-

- وظایف و صلاحیت های اداره حقوق
- کارگروپی قضیه فرضی

روز هفتم :-

- مکلفیت های مدیون و ضامن در برابر دائن
- کارگروپی قضیه فرضی

روز هشتم :-

- بقیه درس مکلفیت های مدیون و ضامن در برابر دائن
- کارگروپی قضیه فرضی

روز نهم :-

- تدریس تخلیه و تسلیمی
- کارگروپی قضیه فرضی

روز دهم :-

- بقیه درس تخلیه و تسلیمی
- کارگروپی قضیه فرضی

روز یازدهم :-

- نیابت در تحصیل حقوق
- کارگروپی قضیه فرضی

روز دوازدهم :-

- بحث روی احکام نهائی

روز سیزدهم :-

- بحث روی احکام تعدیل شده قانون طرز تحصیل حقوق

روز چهاردهم :-

- قضایای فرضی برای کارهای عملی

روز پانزدهم :-

- توزیع دوسیه های حقوقی و کارهای عملی

روز شانزدهم :-

- توزیع دوسیه های حقوقی و کارهای عملی

روز هفدهم:

- تحلیل مشکلات

هجدهم :

- تحلیل مشکلات و ترتیب دوسیه های فرضی هریک از ستاژان

روز نوزدهم:

اخذ امتحان

مقدمه

مرکز مستقل ملی آموزش حقوقی که یک نهاد دولتی بوده به اساس فرمان رئیس جمهور تاسیس گردیده . یگانه هدف عمده این مرکز ارتقای ظرفیت های مسلکی کارمندان سکتور عدلی وقضائی وفارغان پوهنچی های حقوق وشرعیات پوهنتون های دولتی کشور میباشد .بنأ این پلان درسی برنامه آموزش حقوقی قرار ذیل تهیه وترتیب شده است

تاریخچه ایجاد اداره حقوق در افغانستان :

در سال ۱۳۰۰ هـ ش در چوکات وزارت عدلیه وقت مدیریت حقوق ایجاد گردید. هدف از ایجاد مدیریت حقوق رسیدگی به منازعات و قضایای حقوقی اشخاص حقیقی و حکمی، پیگیری و حل و فصل آن توسط ریش سفیدان و بزرگان قوم بصورت مصالحه و یا احاله به محاکم و حل و فصل عادلانه آن بوده است. از جانبی هدف از ایجاد اداره حقوقیه جلوگیری از کشیدگی های قومی، قبیله‌ای و دفع تشنجات ذات البینی بمنظور تأمین بهتر نظم عامه در مملکت نیز بود. البته با گذشت زمان و بروز بیشتر قضایا و منازعات حقوقی، جهت رفع این مشکلات تشکیل مدیریت حقوقیه وقت به مدیریت عمومی حقوق ارتقاء یافت. اما در ولایات ماموریت های حقوق مجزا از محاکم ایجاد و از طریق مدیریت عمومی حقوق مرکزی رهبری و تنظیم میگردید. با گذشت زمان در عهد سلطنت اعلیحضرت محمدظاهرشاه در سال ۱۳۴۳ قانون طرز تحصیل حقوق از جانب اداره قانون گذاری وزارت عدلیه تهیه و با توشیح پادشاه وقت نافذ و در جریده رسمی به نشر رسید. ازان تاریخ تاکنون قانون طرز تحصیل حقوق با تعدیلاتی قابل تطبیق میباشد.

معرفی مختصر ریاست عمومی حقوق :

این ریاست جهت رسیدگی به مسایل حقوقی که از طرف مردم راجع می شود و بلند بردن معلومات حقوقی افراد بعنوان یکی از ریاستهای این وزارت فعالیت می نماید.

وظایف مهم این ریاست عبارتست از:

- دفاع از حقوق ملکیت، کار، خانواده و سایر حقوق مدنی اتباع به اساس شکایت آنان و اتخاذ تدابیر جهت تعمیم فیصله های صادره محاکم راجع به منازعات حقوق مدنی.

- تلاش جهت بالا بردن سطح معلومات و آگاهی حقوقی افراد جامعه

قضایای حقوقی اصحاب دعاوی در ولسوالی ها و مراکز ولایات و وزارت عدلیه پیگیری و با در نظر داشت اسناد، مدارک و دلایل شرعی و قانونی حل و فصل و قناعت طرفین مرفوع میگردد. البته در صورت نبود اسناد و مدارک شرعی و قانونی و یا عدم قناعت طرفین دعوی در قضایای حقوقی به محاکم ارجاع و از طریق محاکم پیگیری و مراحل قانونی و شرعی خود را طی خواهد کرد.

بخش اول – احکام عمومی (اصطلاحات و مفاهیم)

قانون طرز تحصیل حقوق در ماده اول چنین حکم مینماید :

۱- این قانون به منظور تنظیم امور مربوط به طرز تحصیل حقوق مدنی و تجارتی اشخاص حقیقی و حکمی وضع گردیده است.

۲- حقوق مدنی و تجارتی اشخاص حقیقی و حکمی مطابق فقه حنفی شریعت اسلامی و احکام این قانون تحصیل میگردد. به خاطر روشن شدن بیشتر اصطلاحات (حقوق، حقوق مدنی، حقوق تجارت، اشخاص حقیقی و حکمی) را مختصراً توضیح میدهیم:

۱- اصطلاح حقوق:

کلمه حقوق یک اصطلاح معمول، متداول و مانوس بوده و همه روزه این اصطلاح را به مراتب استعمال مینماییم و یا اینکه آنرا از کسی میشنویم.

علمای حقوق، حق را از دو نگاه تعریف نموده اند: از نگاه فردی و از نگاه جامعه (اجتماعی)

تعریف حقوق از نگاه فردی: عبارت از مجموع قدرت و سیطره حقیقی است که یک شخص طبیعتاً در جامعه می داشته باشد، بدون اینکه مجموع مقررات و قواعد حقوقی ای که توسط دولت به نمایندگی از افراد جامعه وضع میشود که اینگونه حقوق را بنام حقوق طبیعی نیز یاد میکنند.

تعریف حقوق از نگاه اجتماعی: عبارت از مجموع قواعد و دستاویزی است که روابط و مناسبات اجتماعی را بین افراد جامعه تنظیم مینماید. و یا حق عبارت از امتیازی که شخص در جامعه دارا میباشد که این حق در جامعه از دین، قانون و قرارداد نشأت میکند.

۲- اصطلاح حقوق مدنی:

حقوق مدنی عبارت از مجموع مقررات، قواعد و نورم های حقوقی است که روابط و مناسبات افراد یک جامعه را بدون در نظر داشت شغل و پیشه افراد تنظیم مینماید.

حقوق مدنی به شعبات مختلفه ذیل تقسیم میگردد: (حقوق وجایب، حقوق فامیل، حقوق عینی و حقوق میراث) که طور مختصر هر یک توضیح میگردد.

-حقوق وجایب:

اصطلاح حقوق وجایب از کلمه های حقوق و وجایب ترکیب یافته است که کلمه حقوق عبارت از یک سلسله قدرت و صلاحیتی است که یک شخص در برابر دیگران میداشته باشد و وجایب نیز جمع وجیبه بوده و آن عبارت از مکلفیتی است که یک شخص در برابر دیگران میداشته باشد.

کلمات حقوق و وجایب در واقع دو روی یک سکه بوده یکی بدون دیگری موجود شده نمی تواند بدین معنی هر شخصی که در جامعه زندگی می نماید دارای یک سلسله وجایب و مکلفیت و امتیازات میباشد.

به همین ترتیب در پهلوی این امتیازات دارای یک سلسله وجایب و مکلفیت ها نیز میباشد. بنابراین حقوق وجایب را چنین تعریف کرده میتوانیم: حقوق وجایب از نقطه نظر آفاقی عبارت از مجموع مقررات و قواعد حقوقی است که وجایب و مکلفیت های مردم را در برابر دیگران تنظیم می نماید و منابع آنرا اعمال حقوقی و حوادث حقوقی تشکیل میدهد.

حقوق فامیل:

حقوق فامیل عبارت است از مجموعه مقررات حقوقی است که در آغاز اثناء و انتهای زندگی خانوادگی امور و شئون آنرا سر و سامان می بخشد.

حقوق فامیل از نقطه نظرهای خاص و وسیع آن تعریف شده میتواند. حقوق فامیل به مفهوم خاص آن عبارت از مجموع مقررات و قواعد حقوقیست که بر اساس آن روابط که معمولاً "شامل پدر، مادر و فرزندان میگردد، تنظیم میشود و حقوق وجایب ایشان در برابر همدیگر تنظیم میگردد.

حقوق عینی:

عبارت از مجموع مقررات و قواعد حقوقی است که بر اساس آن قدرت و صلاحیت های افراد در مورد اشیای معین تنظیم میگردد. یا به عباره دیگر عبارت از قدرت و صلاحیتی است که توسط قانون برای یک شخص نسبت به یک شی معین داده شده که بر اساس آن شخص مذکور از شی معین مطابق قانون استفاده کند که موضوع عمده آنرا حقوق مالکیت که کاملترین نوع حقوق عینی میباشد تشکیل میدهد.

حقوق میراث:

حقوق میراث عبارت از مجموع مقررات وقواعد حقوقی است که سرنوشت اموال متوفی حقوق ووجایب او را بعد از وفاتش تعیین و مشخص میسازد. موضوعات و مطالب عمده ان عبارت از تثبیت وارثین، تعیین سهمیه معینه هر کدام از ایشان مطابق هدایت فرایض الله وچگونگی تقسیم وترکه اموال متوفی ویک سلسله مطالب دیگر میباشد.

۳-اصطلاح حقوق تجارت:

حقوق تجارت عبارت است از مجموع مقررات وقواعد حقوقی است که روابط تاجران را بین هم وروابط تاجران را با اشخاص دیگر تنظیم میکند که به این ترتیب در تنظیم مناسبات اینگونه اشخاص کسب وپیشه ایشان که عبارت از تجارت میباشد در نظر گرفته میشود و از انواع مختلف تجارتی بحث مینماید. مطابق صراحت مواد (۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸ و ۱۹) اصولنامه تجارت اعمال ذیل از جمله معاملات تجارتی شمرده میشود: توريد اموال، حمل و نقل اشيا، خریداری اموال منقول به مقصد فروش، خریداری اموال منقول به منظور اجاره دادن به شخص دیگر، کمیشن کاری، دلالی، صرافى، عقد بیمه، معاملات گروهی که تاجر مال خود را در گدام ها به رهن میگذارد، توزیع آب، گاز، برق و تاسیسات مخابرات تلفونی، معاملات بانکهای خصوصی و عمومی، افتتاح تياتر، سینما، نمایشگاه ها، هتل، سرای، طعامخانه و امثال ان.

۴-اشخاص حقیقی:

به اساس پرنسیپ عمومی هر انسان دارای شخصیت حقیقی است. مطابق صراحت ماده (۳۶) قانون مدنی، شخصیت انسان با ولادت کامل وی به شرط زنده بودن آغاز و با وفات وی انجام میابد و جنین دارای حقوقی میباشد که قانون آنرا تصریح نموده است. شخص میتواند فاقد اهلیت باشد و یا هم ناقص الاهلیت شمرده میشود.

۵-اشخاص حکمی:

شخص حکمی شخص معنوی است که واجد اهلیت حقوقی بوده بنا بر اهداف معین به شکل موسسه، جمعیت و یا شرکت تشکیل میشود. شخصیت حکمی همانند شخصیت فزیکى یا حقیقی میتواند از خود دارائی، اموال و ثروت داشته باشد و از یک سلسله حقوق و امتیازات برخوردار باشد و همچنان در مقابل دیگران نیز دارائی و وجایب و مکلفیت ها باشد.

۶-مکلفیت های ادارات دولتی در همکاری با ادارات حقوق:

ماده پنجم:

اداره پولیس مکلف است در تحصیل حقوق و احضار معروض علیه با اداره حقوق همکاری جدی نماید.

ماده ششم:

- (۱) در مطالبه حقوق، عارض مکلف است که به مسکن معروض علیه مراجعه نماید.
- (۲) در تحصیل نفقه و کسوت ناشی از عقد ازدواج، عارض مکلف نیست که به مسکن معروض علیه مراجعه نماید، درین صورت اداره حقوق محل سکونت زوجه مکلف است به اداره حقوق محل زوج رسماً اطلاع دهد.
- (۳) دائن و مدیون مسافرو کوچی میتوانند به نزدیکترین اداره حقوق مراجعه کنند، درین صورت دائن و مدیون مکلفند به اداره حقوق ضمانت کتبی بدهند.

ماده هفتم:

محل سکونت مطابق احکام این قانون عبارت است از:

- ۱- محلیکه شخص بیشتر از یکسال در آنجا زندگی داشته باشد.
- ۲- محلیکه شخص در آنجا وظیفه رسمی غیر موقت داشته باشد.
- ۳- محلیکه شخص در آنجا فعالیت تجارتي و پیشه اختیار نموده باشد.
- ۴- سایر محلاتیکه در قوانین دولتی بحیث محل سکونت شخص پیشبینی شده باشد.

ماده هشتم:

مدیونیت اشخاص حقیقی، حکمی یا ممثلین قانونی ایشان موجب سلب آزادی آنها نمیگردد.

ماده نهم:

- (۱) مطالبه تحصیل حقوق توسط عریضه رسمی صورت میگیرد.
- (۲) توضیح شهرت مکمل عارض و معروض علیه و تعیین وجه مطالبه توأم با امضاء یا نشان انگشت عارض حتمی است. هرگاه حق مطالبه شده از جمله اموال منقول و یا غیر منقول باشد، عارض به تعیین قیمت آن مکلف است.
- (۳) اصل یا نقل سند همراه با عریضه بهادار حقوق نشان داده میشود، در غیر آن اداره حقوق به تحصیل حق مکلف شده نمیتواند.
- (۴) اداره حقوق از مبلغ تحصیل شده ده فیصد بنام (ده یک) از مدیون اخذ و رسماً به حساب واردات دولت انتقال میدهد.

ماده دهم:

اسناد قابل تحصیل عبارت اند از:

۱- اسنادیکه از محاکم ذیصلاح طور قطعی و نهایی ترتیب و صادر گردیده باشد و دارای ثبت محفوظ قضاء و عاری از جعل و تزویر باشد.

۲- اسنادیکه در سفارتخانه ها یا نمایندگی های سیاسی افغانی ترتیب گردیده، به تصدیق وزارت امور خارجه دولت نیز رسیده و با قوانین نافذ مخالفت نداشته باشد.

۳- فیصله هاییکه توسط محکمه کشور خارجی بین تبعه خارجی و افغانی به شکل نهایی براساس قواعد حقوق بین الدول خصوصی صادر و از طرف وزارت امور خارجه تصدیق شده باشد.

۴- سایر اسنادیکه به آن اعتبار شرعی و قانونی داده شده باشد.

ماده یازدهم:

هرگاه حقوق اشخاص حقیقی یا حکمی در اداره حقوق براساس حکم مندرج ماده دهم این قانون تحت تحصیل باشد، موضوع به محکمه احاله شده نمیتواند. هرگاه معروض علیه اعتراض داشته باشد میتواند بعداً در مورد حق مندرج سند از محکمه تقاضای تحصیل نماید.

ماده دوازدهم:

(۱) تمام دائنین در برابر مایملک مدیون حق مساوی دارند، جز دائنیکه مطابق احکام قانون حق تقدم داشته باشند.

(۲) هرگاه دائنین از لحاظ حق تقدم در موقف مساوی قرار داشته باشند تحصیل حقوق همه آنها همزمان صورت میگیرد. اگر دارایی مدیون حقوق ثابت مطالبه کنندگان را کفایت نکند، دارایی آن بارعایت احکام این قانون به تناسب دین در بین دائنین تقسیم میگردد.

(۳) اجراءات مندرج این ماده به اساس پیشنهاد اداره حقوق از طرف محاکم ذیصلاح صورت میگیرد.

قضیه فرضی:

احمد از اشخاص ذیل مدیون است: از شریف مبلغ (۱۵۰۰۰) افغانی، از عبدالله مبلغ (۲۰۰۰۰) افغانی ولی منزل احمد نزد محمود به مبلغ (۲۰۰۰۰) افغانی گرو (بیع جایزی) میباید.

- در قضیه فوق کدام شخص حق تقدم را دارد و چرا؟

- حق تقدم از کدام حق نشأت میکند؟

۷: وظایف و صلاحیت ها:

ماده سیزدهم:

اداره حقوق در قسمت اجرای عرایض و تحصیل حق دارای وظایف ذیل میباشد:

- ۱- ثبت عرایض وارده در کتاب مربوط و دادن رسید به عارض.
- ۲- جلب معروض علیه به اساس مطالبه عارض از طریق اداره پولیس.
- ۳- در مرحله اول کارکنان مؤسسات خصوصی و رسمی از طریق اداره مربوط رسماً جلب میگردند، در صورت عدم همکاری بعداً به سلسله پولیس تحت جلب قراردادده میشوند.
- ۴- منسوبین قوای مسلح از طریق اداره مربوط شان تحت جلب قرار میگیرند و اداره مربوط مکلف به اعزام معروض علیه به اداره حقوق میباشد.

قضیه فرضی:

احمد که کارمند وزارت خارجه میباشد از شریف مقروض بوده بنابراین عرض شریف اداره حقوق جلبی را عنوانی حوزه پولیس محل زیست احمد نام ارسال میدارد تا به اداره حقوق مراجعه نماید .

- آیا اجراءات اداره حقوق مبنی بر جلب شریف نام درست است؟

- اداره حقوق میبایست در قدم نخست به کدام شیوه حقوقی متوسل میشد؟

- هرگاه مدیون منسوب یکی از ارگان های امنیتی باشد از کدام اصول باید استفاده نمود؟

ماده چهاردهم:

- (۱) اداره حقوق مکلف است که بعد از احضار معروض علیه مطالبه عارض را کتبا به وی تفهیم نماید.
- (۲) اداره حقوق مکلف است حق عارض را که مطابق حکم ماده دهم ثابت شده است، در مدت ده یوم تحصیل نماید.

ماده پانزدهم:

اداره حقوق بعد از موافقه کتبی دائن و مدیون میتواند، تحصیل حقوق ثابت را مهلت یا قسط نماید.

ماده شانزدهم:

- (۱) اداره حقوق مکلف است که از معروض علیه ضمانت احضار اخذ نماید.
- (۲) شخصیکه به احضار معروض علیه به اداره حقوق ضمانت بدهد، در صورت مطالبه به احضار آن مکلف است.

ماده هفدهم :

اداره حقوق مکلف است که در میعاد معینه مندرج فقره (۲) ماده چهاردهم این قانون به تحصیل دین دائن اقدام نماید، حالات ذیل ازین حکم مستثنی است.

- ۱- در صورتیکه دائن کتباً به مدت بیشتر قسط یا مهلت موافقه نموده باشد.
- ۲- در صورتیکه دین بالاثر تجویز محکمه ذیصلاح مطابق به احکام این قانون قسط شود.

ماده هجدهم:

(۱) اداره حقوق به موافقه رئیس یا آمر اداره محل میتواند بانظر داشت استطاعت مدیون پیشنهاد طلب دائن را ترتیب

و غرض تعیین اقساط به محکمه ذیصلاح ارائه نماید.

(۲) قسط مندرج فقره (۱) این ماده ماهوار تعیین و از نه قسط بیشتر بوده نمیتواند.

(۳) در صورت تعیین پرداخت دین به اقساط، از تأدیه قسط اول آن از مدیون ده یکه اخذ میشود، اگر مدیون اقساط باقیمانده را بدون مداخله اداره حقوق در وقت معین به دائن بپردازد ده یکه اخذ نمیگردد.

(۴) هرگاه مدیون به عوض طلب دائن ملکیت خود را به بیع قطعی بدهد، از وی ده یکه اخذ میشود.

(۵) هرگاه ملکیت مدیون در بدل دین بطور رهن در اختیار دائن قرار داده شود، ده یکه اخذ نمیشود.

(۶) از تحصیل نفقه و کسوت ده یکه اخذ نمیشود.

(۷) هرگاه اداره حقوق بعد از تحصیل دین از مدیون ده یکه اخذ نموده باشد، حین اخذ رسید خط در محکمه، مدیون از پرداخت محصول معاف است.

(۸) مؤلف اداره حقوق پول ده یکه را مستقیماً از مدیون اخذ کرده نمیتواند، مدیون توسط تعرفه ای که در آن نمبر حساب تحویلی، شهرت دائن و مدیون و اندازه ده یکه درج است به نزدیک ترین بانک یا خزانه دولتی معرفی و پس از تحویلی، رسیدبانک نصب دفتر سندات اداره حقوق میگردد. هرگاه مبلغ ده یکه روی بعضی ملحوظات مؤجه توسط مؤلف اداره حقوق مستقیماً اخذ شود، مکلف است در ظرف (۴۸) ساعت آنرا تحویل بانک یا خزانه دولت نماید در غیر آن بدون ارائه عذر شرعی و قانونی طبق احکام قانون باوی معامله صورت میگیرد.

(۹) هرگاه مدیون توان پرداخت ده یکه را به صورت یکجایی نداشته باشد، مبلغ ده یکه به لزوم دید وزیر عدلیه یا والی مربوطه قسط شده میتواند.

قضیه فرضی:

احمد که از شریف مبلغ (یک لک) افغانی مقروض میباشد طبق پروسیجر قانونی مدیونیت وی طور ماهوار قسط میگردد.

-مدیون در کدام حالات مکلف به پرداخت ده یکه ناشی از اقساط باقیمانده میباشد؟

-اگر مدیون ملکیت خویش را در بدل دین به طور رهن در اختیار دائن قرار دهد آیا ده یکه باید بپردازد؟

ماده نوزدهم:

موضوعات حقوقی ایجاب تحقیق را نمی نماید، هرگاه عرض عارض به استناد اسناد قابل تحصیل مستند نباشد یا معروض علیه از مطالبه عارض انکار نماید، ایشان یکجا با عریضه مطابق احکام قانون اصول محاکمات مدنی به محکمه ذیصلاح فرستاده میشوند.

۸: مکلفیت مدیون و ضامن در برابر دائن:

ماده بیستم:

مدیون مکلف است تمام دین ثابت ذمت خود را در حال مطالبه به دائن بپردازد، مگر اینکه شرایط تأدیه طور دیگری موافقه شده باشد.

ماده بیست و یکم:

دائن میتواند در هر وقت دین خود را از مدیون مطالبه نماید. دین مؤجل ناشی از عقد بیع ازین حکم مستثنی است.

ماده بیست و دوم:

ضامن پول در حالات آتی مکلف به دادن دین ثابت دائن میگردد:

۱- در صورت افلاس یا ورشکست قانونی مدیون.

۲- در صورت نبودن مدیون مشروط بر این که جایداد نداشته باشد.

قضیه فرضی :

احمد از شریف مبلغ (یک میلیون) افغانی مقروض است. محمود تعهد نموده که در صورت عدم پرداخت پول و یا غیابت احمد، پول ذمت وی را میپردازد. قرار معلوم احمد در شهر کابل یک دربند حویلی دارد که درج سند مقروضیت احمد نام نمیباشد. احمد که مدیون است از پرداخت دین خود ابا میوزد و خود را پنهان نموده است.

-آیا ضامن مکلف به پرداخت دین مدیون میباشد؟

ماده بیست و سوم:

مدیون جهت ادای دین ثابت دائن به فروش مایملک آن مکلف شده می‌تواند.

ماده بیست و چهارم:

(۱) هرگاه مدیون دین ثابت ذمت خود را در اثر مطالبه دائن و ابلاغ مؤظف حقوق تأدیه نکند، ایفای دین از طریق تنفیذ جبری صورت می‌گیرد.

(۲) تنفیذ جبری روی اموالی صورت می‌گیرد که شامل احتیاج اولیه مدیون نباشد.

(۳) تنفیذ جبری روی اموال به اساس پیشنهاد اداره حقوق و تجویز محکمه مربوطه صورت می‌گیرد.

(۴) اموال مندرج فقره (۳) این ماده توسط هیأت مؤظف از نمایندگان اداره حقوق، اداره محلی، شاروالی، پولیس و غیره در حضور مدیون و یا قایم مقام آن بصورت داوطلبی و مزایده به اندازه دین به فروش رسیده به دائن داده می‌شود، در صورت ضرورت درین مورد از نظر اهل خبره استفاده شده می‌تواند.

ماده بیست و پنجم:

(۱) احتیاج اولیه مدیون عبارت از یک مسکن و وسایلیست که در صورت فقدان آن شخص نتواند بصورت عادی زندگی کند.

(۲) فهرست وسایل مندرج فقره (۱) این ماده توسط هیأت مؤظف نمایندگان اداره حقوق، شاروالی و پولیس تثبیت، در مرکز به تائید وزیر عدلیه و در ولایات به تائید والی رسانیده می‌شود.

ماده بیست و ششم:

(۱) هرگاه فروش اموال منقول مدیون ادای دین را کفایت نکند اداره حقوق می‌تواند به اثر مطالبه دائن جدول اموال غیر منقول وی را غرض حجز به محکمه ذیصلاح راجع سازد.

(۲) هرگاه مدیون از فروش اموال غیر منقول مندرج فقره (۱) این ماده امتناع ورزد موضوع غرض تجویز فروش اجباری توسط اداره حقوق به محکمه ذیصلاح محول می‌گردد، درین صورت محکمه از جمله حارنوالان و کیل مسخر راتعیین، تا عوض مدیون متمرّد به فروش جایداد غیر منقول وی در وثیقه عند المحکمه اقرار نماید، این اقرار در حکم اقرار مدیون می‌باشد.

(۳) فروش جایداد غیر منقول مدیون بانظر داشت حکم مندرج فقره (۲، ۳، ۴) ماده (۲۴) این قانون صورت می‌گیرد.

(۴) هرگاه اموال منقول مدیون که برای انتقال ملکیت آن هم وثیقه رسمی و اقرار عند المحکمه لازم پنداشته شود، این اجراءات مطابق حکم فقره (۲) این ماده صورت می‌گیرد.

قضیه فرضی :

احمد مبلغ (سه میلیون افغانی) از شریف نام مدیون است. ولی مدیون از پرداخت دین خود امتناع می‌ورزد. دائن اطلاع دارد که مدیون بر علاوه یک منزل، زمین زراعتی نیز در ولایت پروان دارد و حسب تجویز محکمه به فروش رسانیده میشود مگر ادای دین را کفایت نمیکند.

-درین حالت دائن غرض کسب باقیمانده دین خویش چه اقدام نموده میتواند؟

ماده بیست و هفتم:

- (۱) تعیین قیمت مسکن (سرپناه) در مراکز شهرها مطابق حکم فقره (۵) ماده (۶۵) قانون شاروالی صورت میگیرد.
- (۲) قیمت مسکن در سایر محلات با استفاده از نظر اهل خبره توسط اداره محلی تعیین میگردد.
- (۳) هرگاه قیمت مسکن تعیین شده مندرج فقره (۱-۲) این ماده از اندازه شده دین بیشتر باشد، فروش آن به اساس تجویز محکمه در بدل طلب دائن در صورتی مجاز است که مبلغ اضافه از دین دائن، یک سرپناه عادی را برای مدیون تأمین کرده بتواند.

قضیه فرضی :

احمد مبلغ (سه میلیون افغانی) از شریف نام مدیون است. ولی مدیون از پرداخت دین خود امتناع می‌ورزد. دائن اطلاع دارد که مدیون بر علاوه یک منزل، زمین زراعتی نیز در ولایت پروان دارد و حسب تجویز محکمه به فروش رسانیده میشود مگر ادای دین را کفایت نمیکند.

-درین حالت دائن غرض کسب باقیمانده دین خویش چه اقدام نموده میتواند؟

ماده بیست و هشتم:

هرگاه تنفیذ جبری ذریعه مدیون اخلاص گردد، متمدن دهم شده و مطابق احکام این قانون باوی معامله میشود.

قضیه فرضی :

طاهر که قبلاً از شریف مدیون بود به اساس حکم محکمه ذیصلاح مکلف شد تا دین شریف نام را در موعد معینه که هر دو جانب دائن و مدیون به ان موافقه نموده بودند، بپردازد. مگر طاهر نام از ادای دین خویش با وصف مراجعات مکرر دائن ابا میوزد. طاهر نام به درک این موضوع که مدیونیت سبب سلب از ادای وی شده نمی تواند که در فقره (۸) ماده (۶) قانون طرز تحصیل حقوق نیز درین مورد صراحت دارد، حاضر به پرداخت دین دائن نمیگردد.

-درین حالت دائن چه نوع عمل قانونی را باید انجام دهد؟

ماده بیست و نهم:

افلاس مدیون به اساس درخواست وی و حکم محکمه باصلاحیت طبق احکام این قانون تثبیت میگردد.

۹- تخلیه و تسلیمی:

ماده سی ام:

تخلیه ملکیت مالک از تصرف شخص دیگر به استناد سند قانونی دست داشته مالک که سند مبطل آن موجود نباشد، به اساس تقاضای وی بعد از تجویز محکمه ذیصلاح ذریعه هیأت مندرج فقره (۴) ماده (۲۴) این قانون صورت میگیرد.

قضیه فرضی :

عبدالله سه سال قبل منزل اش را ماهانه طور کرائی به محمود در مقابل یک مقدار پول تسلیم نموده بود که میعاد قرارداد منزل نیز منقضی شده است مالک منزل از اثر جنگهای که در کابل به وقوع پیوسته بود به خارج از کشور مهاجر شد. حینیکه دوباره به وطن برگشت مستاجر از تخلیه منزل ابا میوزد.

-درین حالت مالک منزل از چه روشهای قانونی استفاده به عمل آورد؟

-حینیکه قضیه به اداره حقوق محول میگردد اداره حقوق کدام مراتب قانونی را باید مدنظر گیرد؟

ماده سی و یکم:

مواضع و محلات تجارتي در صورتیکه مالک شخصا بآن ضرورت داشته باشد و مستأجر به تخلیه آن نه پردازد، تخلیه آن به اساس تجویز محکمه ذیصلاح صورت میگیرد.

ماده سی و دوم:

- (۱) مستأجر نمی تواند ملکیت مؤجر را بعد از ختم قرارداد بدون رضایت مالک در تصرف خویش نگهدارد.
- (۲) در مرکز و ولایات وزیر عدلیه و در ولایات والیان میتوانند در مورد سرپناه مستأجر الی سه ماه مهلت بدهند، این مهلت بدون موافقه کتبی مالک تمدید شده نمیتواند.

ماده سی و سوم :

عاقبتیکه مایملک غیر را در اثر یک عقد متصرف و برای مدتی حد اقل شش ماه غایب گردد، در نتیجه غیابت وی کرایه و غیره عایدات مالک معطل شود، اداره حقوق میتواند طبق تجویز محکمه ذیصلاح در مورد تخلیه و تسلیمی مایملک مذکور اقدام نماید.

ماده سی و چهارم:

تجویز مبنی بر تخلیه و تسلیمی مندرج ماده (۳۳) این قانون از طریق رادیو یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار دولتی نشر میگردد. در صورت مراجعت شخص غایب بعد از انقضای میعاد سه ماه مطابق احکام این قانون اجراءات صورت میگیرد.

ماده سی و پنجم:

- (۱) هرگاه شخص غایب قایم مقام نداشته باشد، اموالیکه از ملکیت تخلیه شده بدست آمده توسط هیأت مؤلف مندرج فقره (۴) ماده (۲۴) این قانون در سه نقل تشریح و ترتیب شده، یک یک نقل آن به محکمه ذیصلاح، شاروالی و اداره حقوق حفاظت میشود. اموال بدست آمده تا احضار غایب یا قایم مقام قانونی آن طبق تجویز محکمه به غرض سپردن به مالک اصلی ملکیت تخلیه شده در محل مصونیکه محکمه تشخیص نماید طور رسمی گذاشته میشود.

- (۲) در صورتیکه اموال مندرج فقره (۱) این ماده مستلزم تشریح مزید فنی باشد از نظر اهل فن استفاده شده میتواند. اگر این نوع اجراءات ایجاب مصارف را نماید، مصرف به دوش مالک میباشد.

ماده سی و ششم:

- (۱) هرگاه تشخیص گردد که اموال بدست آمده به مرور زمان خاصیت اصلی یا مقاومت خود را از دست میدهد یا سریع الفساد باشد، اداره حقوق درباره فروش آن به تجویز محکمه ذیصلاح اجراءات مینماید.

(۲) پول فروش این مال الی حاضر شدن مالک مندرج فقره (۱) این ماده یا قایم مقام قانونی آن به حساب امانت در بانک گذاشته میشود.

قضیه فرضی :

قبلاً در سال ۱۳۸۹ مالک سرای فیض محمد ناصری که درمندی کابل موقعیت دارد یک باب دوکان خویشرا برای مدت دو سال طور کرایه ماهوار برای جمیل نام قرارداد مینماید. جمیل نام بعد از مدتی فعالیت غایب میگردد که درین مدت به مفاد قرارداد خویش ایفا نکرده از پرداخت کرایه دوکان و مالیات باز میماند قرار معلوم جمیل نام در دوکان خویش بر علاوه البسه باب مواد خوراکی از قبیل شیر خشک و بسکویت نیز ذخیره دارد.

- مالک سرای درین حالت به چه اقدام متوصل شود؟

- اداره حقوق میتواند به تخلیه دوکان اقدام نماید؟

- در مورد اجناسیکه در دوکان جمیل مستاجر موجود است باید چه تصمیم اتخاذ گردد؟

۱۰- نیابت در تحصیل حقوق :

ماده سی و هفتم:

نیابت در تحصیل حقوق تحت شرایط ذیل صورت میگیرد:

۱- در صورتیکه دائن اسناد قابل تحصیل دین را در دست داشته باشد.

۲- در صورتیکه دائن نسبت معاذیر مؤجه به محل سکونت مدیون که در ولایت دیگر سکونت داشته باشد، مراجعه نموده نتواند.

قضیه فرضی :

شریف مبلغ سه صدهزار افغانی از قادر نام که کارمند یکی از ادارات امنیتی میباشد مدیون بوده اخیراً "شریف نام به ولایت غزنی در ولسوالی اندر نقل مکان نموده و در همان محل مسکن گزین شده است. درین حالت دائن قادر نام نمی تواند که غرض اخذ دین اش به محل سکونت شریف برود.

- درین حالت دائن قادر که غرض اخذ دین اش به ولایت غزنی رفته نمی تواند چه اقدام قانونی نماید؟

- آیا اداره حقوق محل زیست مدیون میتواند که به نیابت از دائن حقوق دائن را بستاند؟

ماده سی و هشتم:

در صورت تحقق شرایط مندرج ماده (۳۷) این قانون، اداره حقوق در مورد محل سکونت داین مکلف به اجراءات ذیل میباشد:

۱- نقل یا سواد اسناد داین را بعد از مهر و نشانی شد طور رسمی به اداره حقوق محل سکونت مدیون ارسال نماید.

۲- اداره حقوق محل سکونت مدیون مکلف است، نیابتاً در مورد تحصیل حقوق دائن اقدام نماید.

ماده سی و نهم:

(۱) هرگاه مدیون سند مبطل ادعای دائن را نداشته باشد اداره حقوق محل سکونت مدیون مکلف است دین مندرج سند دائن را تحصیل و از طریق بانک به اداره حقوق محل سکونت دائن ارسال نماید.

(۲) اداره حقوق محل سکونت دائن مکلف است دین تحصیل شده را در بدل رسید کتبی به دائن بسپارد و رسید کتبی را طور رسمی به مدیون ارسال نماید.

(۳) درین نوع اجراءات مصارف مربوط به ارسال پول دین به استثنای محصول ده یکه بدوش دائن میباشد.

(۴) هرگاه مدیون در برابر مطالبه دائن به اداره حقوق دلیل قانونی نیابت کننده ارائه نماید، درین صورت دائن مکلف است حین مطالبه حکم مندرج ماده (۶) این قانون را رعایت نماید.

۱۱- احکام نهایی:

ماده چهل و یکم:

هرگاه عارض در خلال یکماه اجراءات عریضه اش را در اداره حقوق تعقیب ننماید عریضه مذکور در مرکز به امر ریاست حقوق و در ولایات به پیشنهاد اداره حقوق و تصمیم والی حفظ میگردد.

ماده چهل و یکم:

مدیون متمرکز احکام این قانون مجرم بوده، توسط حارنوالی تحت تعقیب قرار میگیرد

ماده چهل و دوم:

هرگاه ضامن بدون معاذیر قانونی از احضار معروض علیه به اداره حقوق خودداری ورزد، مانند مدیون متمرکز باوی معامله میشود.

قضیه فرضی :

احمد متعهد شده بود که از مدرک مدیونیت شریف وی را هر زمانیکه اداره حقوق به احضاریت مدیون وی ضرورت داشت بدون عذر حاضر نماید. مگر با وصف ارسال جلب های متکرر احمد نام از احضار و معرفی شریف نام خودداری نموده حاضر به همکاری نمیگردد. در این حالت دائن موضوع را به اداره حقوق متذکر میشود.

- اداره حقوق با ضامن چه نوع برخورد قانونی باید نماید؟

ماده چهل و سوم:

اداره حقوق دارای مهر مخصوص میباشد.

ماده چهل و چهارم:

ریاست حقوق وزارت عدلیه در مرکز و ولایات برای ادارات حقوق دفاتر متحد الشکل تجویز مینماید.

ماده چهل و پنجم:

مؤظف حقوق در مرکز وولایات در هر سه ماه به اداره حقوق وزارت عدلیه از اجراءات خویش رسماً گزارش میدهد.

ماده چهل و ششم:

این قانون بعد از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن قانون طرز تحصیل حقوق منتشره جریده رسمی شماره (۶۴۶) مؤرخ (۱۵) سنبله سال ۱۳۶۶ و تعدیلات آن ملغی شمرده میشود.

۱۲:- مواد تعدیل شده قانون طرز تحصیل حقوق:

ماده اول:

محصول و قیمت دولتی که از وثائق و سائر اسناد به اساس تعرفه فعلاً در محاکم اخذ میگردد، تمام آن پنجاه فیصد کاهش یابد و منبعد محصول و قیمت موجوده از طرف محاکم، پنجاه فیصد کمتر اخذ گردد.

ماده دوم:

فقره چهارم ماده نهم قانون طرز تحصیل حقوق، منتشر جریده رسمی شماره (۷۸۶) مؤرخ ۲۲/۴/۱۴۲۰ ه ق به متن ذیل تعدیل گردد:

(۴) اداره حقوق از مبلغ تحصیل شده پنج فیصد را بنام محصول از مدیون اخذ و بذریعه تعرفه رسمی بحساب (۶۰۰۱) واردات دولت تحویل نماید.

ماده سوم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد.

حق طبع و نشر محفوظ، و منحصر به مرکز مستقل ملی آموزش حقوقی و نویسنده آن میباشد

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.